

بحثی تاریخی اقتصادی ، فقهی درباره دیات ششگانه

زندگی بشر از زمانیکه در این کره خاکی آغاز گردید مراحل مختلفی را گذرانیده و در هر مرحله ای از مراحل زندگی ، با توجه بشرائط اقلیمی و جغرافیائی از نظر مالی و اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی روشی خاص را دارا بوده است و بهر اندازه زندگی بشر از شکلی ساده بشکلی پیچیده تر در می آید تمام و یا بیشتر معیارها و مشخصه های زندگانی وی نیز تغییر میکرده است و این تغییرها و دگرگونی ها همچنان ادامه داشته و خواهد داشت .

ما وقتی تاریخ زندگی مردم را در عربستان ورق میزنیم می بینیم اساس و پایه دارائی آنها را اموالی از قبیل شتر ، گاو ، گوسفند ، و سایر حیوانات تشکیل میداده و مسائل اقتصادی آنان بر همان اموال پی ریزی میگردیده و بر این پایه اساس بوده که خداوند متعال در قرآن مجید میفرماید : *و الخیل و البغال و الحمیر لتركبوهـا و زینه و یخلق مالا تعلمون*^(۱) و یا آنکه میفرماید : *و تحمل ائقالکم الی بلد لم تكونوا ابالغیه الا بشق الانفس*^(۲) و یا آنکه میفرماید : *و الانعام خلقها لكم فیها دف و منافع و منها تاكلون*^(۳)

و در دین مبین اسلام یک بخش مهم از زکات را بزکات انعام و حیوانات سه گانه: گاو و گوسفند و شتر اختصاص داده و برای هر کدام نصابهای خاصی در نظر گرفته است و بر همین پایه و اساس در درهم و دینار زکات قرار داده است که همچنان تا بحال بجای خود باقی مانده و یا در اموال مذکور در پرداخت دیه جنایتهای عمدی، شبه عمد، خطای محض مورد توجه قرار گرفته اند و این امر بخاطر آن نبوده که شارع مقدس نظر خاصی نسبت به اموال مذکور داشته بلکه بخاطر این بوده که بیشتر اموال و دارائی مردم را در آن سرزمین تشکیل میداده اند که اینک در قوانین روم و حمورابیان نیز دیه وجود داشته است و در اثر عدم توجه باین نکته بیشتر فقها، چنین میاندیشند که امور مذکور موضوعیت داشته و حکم دیه برای همیشه دائر مدار همان اموالی است که در زمان شارع مقدس وجود داشته اند و در اثر همین طرز فکر حقوقدانان و قانونگذاران عرفی که به تردید باین نوع مسائل مینگرند و طرح چنین موضوعاتی را بدلیل کهنگی و عدم انطباق با نظام حقوقی معاصر، صحیح نمیدانند.

و متأسفانه دست اندر کاران تدوین قوانین جزائی بدون تعمق و تدبر در هماهنگی و یا عدم هماهنگی آنها با ساخت نظام حقوقی معاصر، انواع ششگانه دیات را در قوانین جزائی، مطرح ساختند و به نکته ای که گفته شد توجه نفرمودند و چنانچه قانونگذاران جمهوری اسلامی ایران برای تدوین قانون دیات به منابع غنی فقهی مراجعه میکردند و روایات وارده درباره دیات را مورد امعان نظر قرار میدادند برای آنان حکمت وضع دیات در انواع ششگانه معلوم میگردد.

پیدایش دیه از نظر تاریخی در میان اعراب

زندگی در سرزمین خشک و داغ عربستان، بقدری طاقت فرسا است که شتر تنها حیوانی بوده که میتواند برای آنها مفید و مؤثر باشد و از آن در سفر استفاده بنمایند و لذا به آن سوگند یاد میکرده اند و: در کتاب ایمان العرب فی الجاهلیه ص ۱۴ در باره شتر میگوید ولله فانها (الابل) تملأ الفم و ترقی الدم یعنی بخدا سوگند آن (شتر) دهان را پر میکند و خون را پاس میدارد و شتر نزد اعراب باندازه ای ارزش داشته که آنها مال و دارائی خود را با شتر در نظر میگرفتند و وقتی از مال کسی سؤال میکردند مقدار شتران او را نام میبردند. ابن

هشام در سیره نبویه ج ۱ ص ۱۶۳ و ابن قتیبه در معارف میگویند: زیدبن بکر بن هوازن نخستین کسی بود که شتر را بعنوان دیه تعیین کرد ولیکن میزان آنرا تعیین نکرده بود فلذا عرب جاهلی دیه را بین ۵ شتر تا هزار شتر به نسبت به شخص مقتول تعیین میکرد.

میزان دیه

در کتاب الاوائل استاد علامه شوشتري ص ۱۱ آمده است يقال اول من سن الدیه مائة من الابل عبد المطلب و اقر فی الاسلام و يقال ابوسیاره العدوانی الذی کان یفیض بالناس من المزدلفة یعنی گفته شده نخستین کسی که دیه را یکصد شتر قرار داد و در اسلام نیز مقرر گردید عبدالمطلب بود و گفته شده ابو سیاره عدوانی بوده ابن اثیر در کتاب کامل ج ۲ ص ۱۵ مینویسد فردی یهودی بنام اذینه که همسایه عبدالمطلب بود مال فراوان داشت و پیشه اش تجارت بود روزی حرب ابن امیه بر او غضب کرد و دو جوان بنام های عامربن عبد مناف بن عبدالدار و صخر بن عمرو بن کعب جدا بوبکر را واداشت تا وی را بقتل رسانند و اموالش را تصاحب کنند آن دو چنین کردند و اذینه را کشته اموالش را بغارت بردند عبدالمطلب از این واقعه به خشم آمد و برای یافتن قاتلین جستجوی بسیار کرد تا سرانجام آنها را شناخت، قاتلین از بیم جان به حرب پناه بردند، عبدالمطلب را خشمی مضاعف گرفت و حرب را شماتت کرد و از او خواست تا مجرمین را بدست وی بسپارد حرب از این امر سر باز زد و آنها را مخفی کرد تا عاقبت شخصی بنام نفیل بن عبدالعزی به حکمیت نشست و حرب را وادار کرد تا صد شتر بعنوان دیه به پسر عم مقتول پردازد و آنچه از اموال وی تصاحب نموده برگرداند علی جواد در کتاب المفصل جلد ۵ ص ۶۰۱ داستانی دیگر در این باب نقل میکند شرح این داستان چنین است: فردی خداهش نام مردی از بنی هاشم را اجیر کرد تا وی را به شام برد در راه سواری به اجیر رسید و از او خواست تا بوی عقالی «ریسمانی» دهد تا بمقصد برسد وی نیز عقالی از شتران مستأجر را باز نمود و باو داد بعد از مدتی خداهش بر واقعه آگاه شد و از روی خشم چوبی بسمت اجیر روانه کرد وی بشدت مصدوم شد و قبل از مرگ به رهگذری این پیام را رسانید و سپس ابوطالب اهل و عشیره خداهش را خواست و به ایشان گفت که

یکی از سه چیز تن دهند پرداخت صد شتر بعنوان دیه، اداء پنجاه سوگند بر برائت متهم و یا قصاص خداهش اهل و عشیره خداهش پنجاه سوگند یاد کردند و بدینوسیله فریبکارانه از عواقب جنایت خداهش رهائی یافتند.

بعضی از مورخین نذر عبدالمطلب را مبنی بر قربانی یکی از فرزنداناش علت تغییر میزان دیه از ده شتر به صد شتر دانسته اند خواننده محترم می‌توانند به طبقات ابن سعد مراجعه نماید.

عباس بن عبدالمطلب نقل میکند عبدالمطلب اولین کسی بود که دیه مقتولین را صد شتر تعیین کرد و بدنبال آن عربان چنین کردند.

داستان درهم و دینار در اسلام

پیش از اسلام در عربستان دینار مسکوک روم وسیله داد و ستد بوده و این ترتیب تا سال ۷۴ یا بگفته مدائنی ۷۵ هجری جریان داشته است مقریزی در کتاب النقود الاسلامیه ص ۳۳ مدعی است که نخستین دینار اسلامی را معاویه ضرب کرده و این ادعا درست بنظر نمی‌رسد زیرا بلاذری بغدادی که تاریخ تألیف کتاب او خیلی پیش از مقریزی است در صفحات ۱۲ و ۱۳ بطور صراحت از واقدی و مدائنی و سفیان بن عینیه و ابن ابی الزناد که همگی از محدثان بوده اند نقل میکند اول کسی که در اسلام اقدام به ضرب دینار کرده عبدالمملک بن مروان بوده است.

طبری و ابن اثیر و دمیری، تاریخ ضرب دینار را سال ۷۶ هجری نوشته اند تاریخ کهن ترین دینار اسلامی مکشوفه که تاکنون بدست آمده از سال ۷۷ هجری بالاتر نرفته است گمان می‌رود عبدالمملک بن مروان در سال ۷۴ پس از برانداختن عبدالله بن زبیر بمسأله مسکوکات توجه کرده ولی تهیه وسائل ضرب سکه به طراز اسلامی تا سال ۷۶ بطول انجامیده است مقریزی پیشنهاد ضرب دینار اسلامی را از خالد بن یزید بن معاویه میداند لیکن مصطفی ذهبی در کتاب تحریر الدرهم و الدینار و دمیری در حیاة الحیوان و ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه نوشته اند که عبدالمملک محمد بن علی بن الحسین معروف به امام باقر را از مدینه به دمشق خواست و او این فکر پسندیده را پیشنهاد کرده و مشکل را حل نموده است باری از اینگونه گفتگو معلوم میشود موضوع ضرب دینار برطبق طراز

اسلامی در سال ۷۴ هجری آغاز شده است و وزن دینار به وزن دینار اسلامی برابر وزن دینار رومی و هم سنگ یک مثقال شرعی بوده است. و از نوشته های مورخین بدست می آید درهم هائی که در عربستان وسیله داد و ستد بوده از مسکوکات عصر ساسانی ایران بوده و این مسکوکات اوزان مختلف داشته و در زمان خلیفه دوم وزن متوسطی که هر ده عدد آن برابر هفت مثقال بوده پدید آمده و بدرهم شرعی نامیده شد و ملاک برای اخذ زکات و دیه قرار گرفت و این اولین اقدامی بود که دولت اسلامی در مقیاسات بعمل آورد. و در کتب سکه شناسی دیده نشده که در زمان خلفا سکه هائی بوزن درهم شرعی ضرب شده باشد.

قدرت خرید درهم و دینار

اصولاً پول در هر زمان می‌تواند از نظر قدرت خرید دارای نوسانات مختلف بوده باشد و در این مقاله خواهد آمد که از روایات وارده در باب دیات که شیعه و سنی آنها را نقل کرده اند استفاده میشود که قدرت خرید درهم و دینار مورد نظر بوده و بر همین اساس در بعضی روایات دیه دوازده هزار درهم و در بعضی از روایات ده هزار آمده است و این امر بخاطر این جهت بوده که شتر گاهی ارتفاع قیمت پیدا می‌کرده و گاهی ارزانتر میشده و قدرت خرید درهم و یا دینار در مقابل شتر مورد توجه بوده و بدیهی است که قدرت خرید درهم و یا دینار در مقابل شتر وقتی می‌تواند اعتبار گردد که درهم و یا دینار از اموال رایج یک کشور باشد ولیکن در وقتی که قدرت خرید پولی درهم و دینار مطرح نباشد و پول رایج کشور چیز دیگری باشد چگونه میتوان آنها را اعتبار کرد آری اگر شارع مقدس نفس طلا و نقره مسکوک را بدون در نظر گرفتن قدرت خرید آنها اعتبار مینمود می‌توانست در جائیکه درهم و دینار وجود داشته باشد آنها را موضوع حکم قرار دهد و بنظر میرسد فقها، عظام رضوان الله تعالی علیهم استنباطشان از ادله درهم و دینار همین امر بوده است و این استنباط از نظر اقتصادی و عرف و عقلاء قابل قبول نیست و بهر حال با توجه باینکه درهم و دینار در کشور ما فعلاً وجود خارجی ندارد و حتی پولهای مسکوک نقره سابق زمان قاجار هم در دست مردم نیست تا بتوان آنها را جایگزین درهم کرد نمیتوان آنها را موضوع حکم به پرداخت

دیه قرار داد و حتی بحث دربارهٔ آنها عیناً مانند بحث درباره مسائل عبید و اماء میباشد که فعلاً جایگاه عملی برای آنها نیست و همچنین است مطرح کردن حلهٔ یمانی و با این ترتیب ناچار خواهیم بود به جای درهم و دینار برای دیه از پول رایج هر کشوری استفاده نمائیم و همانطوریکه قدرت خرید درهم و دینار در صدر اسلام مورد عنایت مسلمانان بوده لازم است در این زمان نیز از همان روش سابق که جنبه عقلانی نیز داشته و دارد استفاده نموده و هدف در این مقاله این است که ثابت نمائیم اساس و پایه دیه در صدر اسلام بر قیمت شتر بوده و با تفاوت قیمت شتر، سایر قیمتها در نوسان بوده اند و در این زمان اگر ممکن باشد بر پایه همان رویه و روش عمل کرد، عمل مینمائیم و اگر در عمل به این روش دچار بن بست شویم لازم است دولت جمهوری اسلامی که دارای اختیارات شرعی است با در نظر گرفتن مصالح و عدل و قسط اسلامی دیه خاصی با عنایت به ضرر و زیانهای وارده در نظر گیرد و از این راه به اهداف بلند و عالی اسلامی نائل گردد.

بحث فقهی قانونی درباره انواع ششگانه دیات

در متون فقهی و به تبع از آنها در قانون مجازات اسلامی آمده است :
دیه قتل مرد مسلمان یکی از امور ششگانه ذیل است که جانی در انتخاب هر یک از آنها مخیر میباشد و تلفیق آنها جایز نیست :

- ۱- یکصد شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد .
- ۲- دویست گاو سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد .
- ۳- یکهزار گوسفند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد .
- ۴- دویست دست لباس سالم از حله‌های یمن .
- ۵- یکهزار دینار مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر دینار یک مثقال شرعی طلا به وزن ۱۸ نخود است .

۶- ده هزار درهم مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر درهم به وزن ۱۲/۶ نخود نقره میباشد (ماده ۳ قانون دیات مصوب ۲۴ آذرماه ۱۳۶۱)

مرحوم شیخ بهائی در جامع عباسی میگوید :

خونبهای مرد مسلمان در صورتیکه کسی او را بغیر حق عمداً کشته باشد و از هر

دو طرف به خونبها راضی شوند یکی از شش چیز است اول: صد نفر شتری که پنج سال یا بیشتر داشته باشند و علت دار و لاغر نباشند و قیمت هر شتری ده مثقال طلا یا صد و بیست درهم باشد دوم: دویست رأس گاو که در عرف آنها را گاو گویند سیم: دویست حله و هر حله دو جامه از برد یمان نیست و معتبر آن است که اسم جامه بر آن صادق آید چهارم: هزار فردگوسفند بطریقی که در گاو مذکور شد و می باید که قیمت هر بیست گاو ده مثقال طلا یا صد و بیست درهم باشد پنجم: هزار مثقال طلای شرعی ششم: ده هزار درهم شرعی نقره و در این شش چیز فرقی میان قتل عمد و شبیه عمد و خطاء نیست مگر سه چیز اول صد شتر چه در صورتیکه به خطاء کشته باشد صد نفر شتر به این طریق باید داد که در حدیث صحیح تصریح به آن وارد شده که بیست شتر ماده یک ساله و بیست شتر نر دو ساله و سی شتر سه ساله و در شبیه به عمد آنچه در صحیح وارد شده چهل شتر پنج ساله و سی شتر سه ساله و سی شتر دو ساله .

دوم آنکه در صورتیکه به عمد یا شبیه به عمد کشته باشد خونبها را از مال خود میدهد و در صورتیکه به خطا کشته باشد عاقله میدهند سیم آنکه در قتل عمد خونبها را در مدت یک سال میگیرند و ابتدای سال از وقت کشتن است تا آخر سال و در زیاده از یک سال دادن (دیه) جائز نیست مگر به رضای ورثه مقتول بخلاف قتل خطا که در سه سال هر سال ثلث خونبها را تا آخر سال از عاقله باید گرفت و در شبیه به عمد در دو سال از مال قاتل باید گرفت تا آخر سال .

علامه حلی در تحریر الاحکام میفرماید :

دیه المسلم احد الستة امامة ابل او مأتا بقره او مأتاحله او الف شاة او الف دینار او عشرة الاف درهم

کلام شیخ طوسی در مبسوط

شیخ طوسی در مبسوط ج ۷ ص ۱۱۸ میفرماید : و کل واحد من هذا الاجناس الستة اصل فی نفسه و لیس بعضها بدلائع بعض ، و در همین کتاب جلد ۷ ص ۱۱۹ میگوید :

وکل من کان من اهل واحد من ذلك اخذ ذلك منه مع الوجود ، فاذا لم يوجد اخذ احد الاجناس الاخر وسواء کانت بقیمة الابل او دونها او فوقها

و از این دو کلام دو مطلب استفاده میشود اول آنکه هر کس از انواع ششگانه هر کدام را دارد باید آنرا از وی اخذ کرد و در وقتی مخیر بین انواع مذکور ، می باشد که صاحب یکی از انواع ، بخصوص نباشد و دوم اینکه هر کدام از این انواع اصلی فی نفسه میباشد و مخیر است هر کدام را که میخواهد به عنوان دیه پرداخت نماید : خواه در قیمت با شتر مساوی باشد و یا نباشد ، و از بعضی کلمات شیخ در مبسوط به دست می آید که احوط آن است که اگر از اهل شتر باشد بهتر است شتر بدهد در ج ۷ ص ۱۱۸ میفرماید : و الذی یقفیه مذهبنه انه اذا کان من اهل الابل فبذل القیمه قیمه مثله کان له ذلک و ان قلنا لیس له ذلک کان احوط یعنی آنچه مذهب ما میباشد این است که اگر اهل شتر باشد و بخواهد قیمت دهد مانعی ندارد و اگر بگوئیم دادن قیمت جائز نیست احوط میباشد.

کلام محقق در شرائع

محقق در شرائع پس از آنکه انواع مذکوره دیات را بیان میفرماید میگوید : و هذه الستة اصول فی نفسها و لیس بعضها مشروطاً بعدم بعض و الجانی مخیر فی بذل ایهاشا .

هر کدام از شش نوع مذکور فی نفسها اصل بوده و بعضی از اینها مشروط به عدم بعضی دیگر ندارند و جانی مخیر است هر کدام را که بخواهد پرداخت نماید.

کلام علامه در ارشاد

علامه حلی نیز عبارتی شبیه عبارت شرائع دارد ایشان میفرمایند : و یتخیر الجانی فی بذل ایها شاء و لا یجزی المراض و لا القیمه یعنی جانی در دادن هر کدام از انواع دیات مخیر است و لیکن دادن حیوان بیمار و یا قیمت آن کافی نخواهد بود .

و در تحریر الاحکام میفرماید و هذه الستة اصول تا آنکه میفرماید:

الخیره فی اداء احدی الاصناف الستة الی من و و حبت علیه من القاتل او العاقله فایها احضره لزوم الولی قبوله فان اعوز صنف منها فله العدول الی غیره سواء کان اعلى قیمة او ادون و کذا لولم یعوز و الاقرب انه لا یعتبر قیمة الابل بل

متی وجدت الصفه المشروطه اجزات و وجب اخذها قلت قیمتها او کثرت و ما روى فى الحادىث من اعتبار قیمة کل بعیر بمائة و عشرون درهما فحمل على الغالب لا الواجب و کذا البحث فى البقر و الغنم و الحلل

یکی از اصناف ششگانه دیات را قاتل و یا عاقله او اختیار میکنند و هر کدام را حاضر کرد لازم است آنرا ولی بپذیرد و اگر از دادن یکی از آنها عاجز بود میتواند به یکی دیگر از آنها عدول نموده و آنرا بپردازد خواه از نظر قیمت بیشتر بوده و یا کمتر و همچنین هرگاه عاجز نباشد و اقرب اینستکه قیمت شتر معتبر نیست بلکه هرگاه شتر دارای شرایط معتبره بود لازم است آنرا بعنوان دیه بدهد و ولی دم واجب است آنرا اخذ نماید، خواه قیمت آن کم و یا زیاد بوده باشد و آنچه در احادیث آمده است که لازم است قیمت شتری یک صد و بیست درهم باشد باید آنرا حمل بر غالب نمود نه آنکه واجب است شتر به این قیمت بوده باشد و همچنین است کلام درباره گاو و گوسفند و حله یمانی و علاوه در قواعد میفرماید: و الاقرب انه لا یجب قبول القیمة السوقیة،

وکل واحد من هذه الاصناف اصل و لیس بدلاعن غیره و لا مشروطاً بعدم غیره و الخیار الی الجانی فی بذل ایها شاء
و فخر المحققین در ایضاح در ارتباط با عدم لزوم قبول قیمت رایج در بازار میفرماید:

علت عدم وجوب قبول قیمت آن است که ولی دم مستحق شتر می باشد و لزومی ندارد غیر از آنرا قبول کند و سپس میفرماید:

و محتمل است که قبول قیمت واجب باشد زیرا مقصود از دادن شتر مال است و قیمت قائم مقام عین (شتر) میباشد مضافاً به این که شارع قیمت را در حال تعذر عین بجای عین قرار داده است پس در حال اختیار نیز میتوان آنرا بجای عین قرار داد زیرا دلیلی برای آنکه اثبات کند فرقی بین حالت اختیار و حالت تعذر وجود دارد در دست نیست .

نقد و بررسی

از مجموع کلمات اصحاب آنچه نقل شده و آنچه نقل نشده بدست می آید که:
۱- هر کدام از دیات ششگانه اصل مستقلی است و موضوعیت دارد یعنی شارع مقدس بنفس انواع مذکوره عنایت داشته است .

۲- قیمت و ارزش پولی آنها مورد عنایت شارع نبوده فلذا جانی میتواند هر کدام از انواع دیات را هر چند با یکدیگر از نظر قیمت تفاوت‌های فاحشی داشته باشند انتخاب کند .

اینک لازم است برای بررسی نظرات آنان اخبار وارده در باب دیات را مورد بحث قرار دهیم :

اخباری که در مورد دیات آمده است بر چند گونه هستند :

۱- اخباری که فقط در مقام تعداد دیات میباشند و مرحوم صاحب جواهر کلمه (واو) را که در آنها آمده به قرینه سایر اخبار حمل بر کلمه (او) که در بسیاری از اخبار آمده مینماید .

۲- اخباری که در آنها کلمه او ذکر شده است مشهور بین اصحاب این است که مراد از (او) تخییر است و لیکن صاحب جواهر از مقنع و مقنعه و نهاییه و خلاف و مبسوط و مراسم و وسیله قاضی نقل میکند که مراد از او تنویع میباشد و فرق بین تخییر و تنویع این است که قائلین به تخییر معتقدند که جانی درانتخاب کدام از انواع دیات مخیر است و اولیاء دم لازم است همان نوع را که جانی انتخاب می کند بپذیرند و اما بنا بر قول به تنویع جانی فقط باید همان نوعی را از دیات انتخاب کند که واجد آن میباشد و اگر نوعی دیگر را بخواهد بپردازد از او پذیرفته نمیشود و دلیلی که برای تنویع ذکر فرموده اند این است که در بسیاری از اخبار آمده است اهل شتر ، شتر و اهل گاو ، گاو و اهل درهم ، درهم و اهل دینار ، دینار و اهل حله باید حله پرداخت کنند و درجواهر بقرینه نصوص دیگر فتاوی اصحاب این روایات را حمل بر تسهیل کرده است یعنی شارع مقدس که فرموده است هر کس هر چه دارد میپردازد بخاطر آن بوده که دچار عسر و حرج نگردد و صحیحه ابن عیینه که در آن آمده است قبل از اسلام شتر و گاو و گوسفند داده میشد و پس از اسلام زمانی که درهم میان مردم بسیار شد امیرالمؤمنین آنها را بر درهم تقسیم فرمود .

بر این مطلب (تسهیل) دلالت دارد و بهر حال نظر قائلین به تنویع را میتوان به نظریه تخییر ارجاع داد .

۳- یک دسته از اخبار وجود دارد که در آنها ملاک مقدار انواع دیات غیر از شتر ذکر شده است مانند صحیحه ابن عیینه که در آن آمده است فلما ظهر الاسلام و کثر الورق بین الناس قسمها امیرالمؤمنین علی الورق .

و بدیهی است که کلمه قسما ظهور در این معنی دارد که امیرالمؤمنین با محاسبه دقیق با ارزشی که شتر و گاو و گوسفند داشته است آنها را بر ورق (درهم) تقسیم فرموده است و همچنین در روایات عبد الرحمن بن حجاج که آمده است «کان علی (ع) یقول الدیه الف دینار و قيمة الدنانیر عشرة آلاف درهم» و از این روایت نیز استفاده میشود که درهم و دینار از نظر دیه با یکدیگر مقایسه شده است.

مقایسه انواع دیات با یکدیگر از نظر قیمت از روایات وارده از طریق اهل سنت نیز استفاده میشود که به پاره ای از آنها ذیلاً اشاره میشود:

شافعی در کتاب الام ج ۸ ص ۴۵۹ طبع دارالمعرفه بیروت میگوید:

"اخبّرنا مسلم بن خالد عن ابن جریح عن عمرو بن شعیب قال قال النبی (ص) یقوم الابل علی اهل القرى اربعمائة دیناراً و عدلها من الورق و یقسمها علی اثمان الابل فاذا غلت رفع فی قیمتها و اذا هانت نقص من قیمتها علی اهل اقری الثمن ماکان"

یعنی پیامبر (ص) شتر را به چهار صد دینار و یا معادل آن از نقره تقویم میفرمود و بر ثمن شتر تقسیم میکرد و چنانچه قیمت شتر بالا میرفت درهم و دینار را بالا می برد و اگر پائین می آمد قیمت آنها را پائین می آورد.

امام بغوی در مصابیح السنه ص ۳۸ از عمرو بن شعیب از پدرش از جدش نقل می کند که گفت 'كانت قيمة الدیه علی عهد الرسول الله ثمانی مائة دیناراً او ثمانیه آلاف درهم و دیه اهل الكتاب یومئذ الصنف من دیه المسلمین قال فکان كذلك حتی استخلف عمر فقام خطیباً فقال ان الابل قد غلت ففرضها عمر علی اهل الذهب الف دینار و علی اهل الورق اثنی عشر الفا و علی اهل البقر مائتی بقره و علی اهل الشاه الفی شاه و علی اهل الحلل مائتی حله"

یعنی قیمت دیه در زمان رسول خدا (ص) هشتصد دینار و یا هشت هزار از درهم بوده و دیه اهل کتاب در آن روز نصف دیه مسلمانان بود تا دوران خلافت عمر که قیمت شتر بالا رفت و هزار دینار بر صاحبان طلا و دوازده هزار درهم بر صاحبان نقره و دویست گاو بر گاو داران و دو هزار گوسفند بر گوسفند داران قرار داد. و از این روایت به خوبی استفاده میشود که مقادیر دیات با مقایسه و ارزیابی صحیح با یکدیگر و مقایسه آنها با ارزش شتر محاسبه میشد و تخیّر و یا تنويع بدون حساب و برابری ارزشها نبوده است.

نظری به کلام صاحب جواهر

صاحب جواهر الکلام درباره اخبار تقویم میفرماید: 'محتمل است روایاتی را که در آنها تقویم آمده مانند خبر معاویه ابن وهب و حسام و مانند اینها حمل بر تقیه نمود و برخی دیگر از روایات را مانند روایات ابن سنان و صحیحہ ابن حجاج حمل بر بیان واقعیتی کرد که در آن روز وجود داشته است یعنی چون قیمت هر شتری در آن روز یک صد و بیست درهم و یا ده دینار بوده امام (ع) این قیمت را بیان فرموده است نه آن که قیمتها باید همیشه منظور گردند و یا تقویم مذکور اشاره به حکمت در شروع تقدیرها برای نخستین بار بوده است.

نقد کلام صاحب جواهر

کلام صاحب جواهر خالی از وجاهت است زیرا اولاً حمل بر تقیه در موردی است که روایات با یکدیگر متعارض باشند و بدیهی است که روایات تقویم با روایات تخییر و یا تنویع هیچگونه معارضه‌ای ندارد زیرا روایات تخییر و یا تنویع مطلق بوده و روایات تقویم آنها را تقید مینمایند و جمع بین مطلق و مقید از بدیهی ترین جمع‌های عرفی است و با امکان جمع عرفی بین ادله نوبت به اعمال مرجحات باب تعارض نمیرسد و ثانیاً اینکه فرموده است تقویمی که در پاره‌ای دیگر از روایات آمده است مخصوص همان زمان بوده و یا برای نخستین بار بوده است دلیلی بر آن نیست و منشأ این تفکر آن بوده که تخییر را با وجود اختلاف در قیمت مسلم دانسته و ناچار شده است معتقد به چنین محامل ضعیفی گردد.